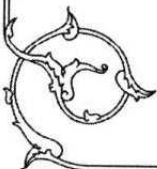


سهم‌ها راز شده

دیوان شعر: سرکش حسین فرزانه

بامقدمه: ابوتراب رازانی

کردآوری: پروین فرزانه (المعی)



سرشناسه	: فرزانه، حسین
عنوان و نام پدیدآور	: سیم‌های پاره شده/ دیوان شعر حسین فرزانه.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات المعی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۷۶ ص.: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۵۸-۱۸-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
شناسه افزوده	: فرزانه، پروین، گردآورنده
شناسه افزوده	: رازانی، ابوتراب، ۱۲۸۲ - ، مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ س۹/۳۷۴ ر/ PIR۸۳۵۶
رده‌بندی دیویدی	: ۸۱۴/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۶۷۰۱۵

سم‌های پاره شده

اثر: حسین فرزانه

تهیه و گردآوری: پروین فرزانه

چاپخانه: چاپ دیجیتال گوتنبرگ

صحافی: چاپ دیجیتال گوتنبرگ

لیتوگرافی: زاویه نور

شمارگان: ۵۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۴

انتشارات: المعی

حق چاپ محفوظ است.

ISBN 964-600-7658-18-5

شابک: ۹۶۴-۶۰۰-۷۶۵۸-۱۸-۵

فہرست

۷	زندگی نامہ
۹	دیباچہ
۲۱	غزلیات
۴۱	رباعیات
۵۰	مثنوی
۵۳	قصائد



« دیاجه »

گر خدیگهان هر قوم آخرانی را مانده که در آسمان معرفت آن گروه ماجها

ادب را فروخته است خود نمائی می کند ! این ستارگان در شان که در

مرغان بهاری روزی باطل و پرده های ست در فضای بگریان خیال

پرور کرده و در دل صاحب دلان اسانه گرفته اند از دستبرد حوادث

زمان در گذرند باد و باران در امان بوده و حتی اگر کسی شده باشد نیز

با ستارگان آمان قادر نمی باشد !

خوشبختانه کشور مادر سیاه همگانه جهان بکثرت بمبیدن غرنخودان گلشن

ادب ممتاز است ! دریای با کمر و نبره بر رز و با جبهه و قمری هم آواز است

دیران سرزمین پرمان است ! ایران چشم و چراغ جهان است !
دیران سرچشمه عوطفه و منبع حساسه می باشد ! دیران گودی است
که توارن را آینه را باز بر دهم موسیقی گلر و سبزه را بارگاه آینه های
طبیعی نام آید را با محققه گشته و سارده هم آهنگ و در آن گلشن
ساحه و بدست خود آینه گشته دان که باغبان این هزار پر آینه پرده آ
آزادی ! حقیقی را که چهره گاه با سایه روشن درگاه آینه محسوس می کند
آتش را که خفاگر باز بر دهم تار در دل سنگ گمان سازد و همه را شاعر
یکه شعر که از سرچشمه قلب حس بر بنخیر جمع نموده است !
شعر غم و شادی و فراق و وصال دارد ! نیازهای ما را عشق سفر

باغ سگفتی راغ و باغ خمره آنچه را که از آن باغس تعبیر کنی نسیم همه با کاسین

صورتی در این عالم کجرا نسیم وجود دارد ! شعر زبان درون و حال هست !

شعر عذای روح و آئینه احساسات میباش ! شعر موجود است منی پر و با

آسمانی می باشد و بسوزاننده عذوق دنیای ماده میراند و بعالم خل

که جهانی مجرد و بی قیود و حال است فوق سیر و پد ! شعر گنج غم شادی

و سوز و ماتم رقیق و صادق و مایه باوقای شیره است چه هر وقت عمل کنی شوم

زیر لب زمره ای می نسیم و هر زمان روی شادی می نسیم می نسیم !

شعر فانیه احساسات رقیقه و معرق در جات تمدن جهانی است

زیرا بهترین معیار تشخیص بدنیست هر قوم درجه انزلیش و انس و لغت آن

گروه با سطر طبعیت فلسفیه‌های دنیا می باشد ! آری !
 آن قومی که بیشتر دنیا با نظر توارن و انگشت می گردان طیفه‌ای
 که بعضی را از دریکه احساسات می بیند و با ذخیره آن فرقه ای که
 در دای دل و دوق و قوت ن لیه است بیشتر هم با سطر طبعیت می
 می برد و از چهره معنای خلقت نیز بهتر کرده تواند گرفت !
 راستی کسی نفی نمی نماید که جهان را در می نماید که دست طبعیت در نهادی
 فرقه ای جود دانی سطر و از روح که کارون خلقت و سبباً
 ایجاد کائنات است جلوه بیشتر گرفته باشد !
 در این جهان سراپا سطر در این عالمی که در و طیفه شناسی و سید

کار و کوشش است با دغدغه درسیه طبقات مختلف که عالم شریعت را پدید می‌آورد

شعرا که سئو جنبان احسان و سادای قلب و انیه دار صحن اندک جای

پس بسند دارند ! شعرا زبان دل و ترجمان حقیقت و معرفت نباشند

و سلفیه ای زبان آنها ! شعرا رابط عالم فانی بجهان ابدی می باشند !

شعرا مخلوق را سجااتی آفاق را با نفس و عالم خالق را بجهان افدک نزدیک

می سازند ! شعرا برزیدگان جهان و پرهیزان کمالات زمان و مکانند !

پیش و پس دان بصف کبریا پس شعرا باشند و پیش انبیا

آنها درسیه گویندگان ترک نه بشر جالب نظر و شایسته توبه اند

که با وجود گرفتاریهای زندگی مادی آنها در بحث حق و حقیقت فرو

گذری کنند و هر زمان که حالتی یابند یا فراغت بنهند زردل خویش
 که منبع هیچ کمالات است اشاره ای نمایند و آنچه را که از سبب^{بانی}
 بوقتی یافتند بصورت شعر در آورند و تقدیم عالم بی فروغ ثریت
 کنند چنانچه دوست داشتند و بزرگوارم سرکار بزرگوار حسین فرزند
 در این طبعه بنمایند! آقای فرزانه که این سبده بدوستی ایشان
 مستحرم و از سعادت و محبت به عظم به لذتها و کسود ما برده ام
 علم و ادب را از پر فاضل خویش مرحوم حکیم الکماکانت دالمی که از شعرا
 و نویسندگان و بزرگان دوره خود بوده اند بارش کرده و خود نیز در
 طبعه علم و ادب و تصحیف زبانهای خارجه خاصه روسی رنجه کشیده

و ایک نیرومی اوقات گرانمای خوش را به مطالعہ سر می کند و پیوسته

در صد و افاده و استفادہ و تمیز معلومات و تسبیح خوشین میباشد

و ادوات فرغت را به مطالعہ دوا و این شعراء وقت در خون ادبی

و ترجمہ آثار و گویان و با اذخه سرودن شعر بسیار و دانسته نیری

استنادہ علاقمندان مجموعه ای از آثار خوش را بنام «سیمیهای پاره شده»

تدوین و با صراحت اهل علم و ادب در صد و انتشار آن می باشد این

مختصر که زاده خلاقیت طبع و علو فکر گویند محرم آن هست و از لحاظ کار

و نوع خدمت که مانع نفع مردم ساختن کلیه نویسندگان این بوده به

«سیمیهای پاره شده» موسوم گردیده هست مجموعه ای هست از :

تصرفه و عرفان - توسل و دریا جلی تحقیقت - وصفه طبیعت -

تجسم احکامات ساده ثبری - رقت معنی و دقت لفظ - مخالفت

استعداد ظاهری بیان و دریا کاران - نقل و اقتباس بعضی از شاعرهای

گویند گمان آگاهی و روشی و بالذکر مدح کنی که شاید تشایند

نگارنده این سطور از آنجا که در کتب ادب الفبا خوانش نیست

و فاقد اطوار است کافی برای در آثار بزرگان و طرز فکر و روش

ادبی آنان می باشد درین مورد بخصوص باید که بدقت و دقت متین

و بدین مجموعه از نقطه نظر سنجیده ادبی می نگرد

شهادت کنفرانسهای متعدد و واقعه ام در تائیس انجمنهای ادبی

در نقاط مختلف و مقامات بسیار این جانب در تجمعات ادبی ایران پذیرفته

ادبیات که گهانه تنوع دنیا پسند این کشور است پیغمبرم بوده و پیوسته

عقیده داشته ام که ادبیات ایران مطابق دیگر کشورها نمی باشد

سحر این ادبیات بجزای دیگری افتد و از لحاظ سبب شعری و نهضت این

سبکی نوید پدید آید ! دنیا در هر چه در او هست توجه کمال و دستخوش تحول و

تغییر است ادبیات نیز باید پیر و ناموس حتی و طبع تشویقات زمان و

کسان باشد چه شعری از دانشم حار میوه و در بر گرفته اند و می کنند

اسباب انقباض و بساط خاطر می گردد که از پند ارثی مردم زمان

طرز تصور و تصور آنان حاج نباشد شعری خشن لغاری ماکویند که

طبیعی باشد و شاعر در آردن آن صمیمیت نه خرج دهد و با آن آخره حقیقتی

در برداشته باشد شعر باید بیان حال باشد و بر محور الفاظ و قوافی

و صنایع بدیعی نگردد و چه در این حال نثری بدتر کسب می نماید که برای خود

محاذی و دلبری بغیر آب و سرکه و زرد و زور قوسل شود و چون آن

مجموع از او بگذرد خوشگلی کرد خیری باقی نماند! همیشه شکر گفتار خود

ایمان داشته و کمالش در ادب بیرون آمده بود و قصه در دلهای رقیبان

سیکندرو! خوشبختانه آمار آقایی فرزانه مستجمع این صفات و شایسته

خصوصیات است و بهین جهت سیهای پاره شده اش این اسبکی دارد که

از سبکی دیگران نوا برین نیاید!

درید است که بردش پندیده خویش اودمه دهند دوسته گلهای
دیگری برای تعطر ساختن شام ام میهان روز گلشن فکری خود آماه
کنند و در دسترس استفاده محرم گذارند .

۲۵ / ۱۱ / ۱۳۱۵ شمس - ابوتراپ زرانی

www.ketab.ir